



وقوع کودتای نظامی در ترکیه
و به قدرت رسیدن ژنرال جمال گورسل



استبداد و فساد حکومت در زمان عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه باعث وقوع اعتراضاتی در شهرهای این کشور شد. به همین دلیل، دولت اعلام حکومت نظامی کرد و به وسیله نیروهای مسلح، تظاهرات مخالفین را در هم شکست. در سوم ماه مه ۱۹۶۰، ژنرال جمال گورسل، فرمانده نیروی زمینی ارتش ترکیه، در نامی به عدنان مندرس خواستار توجه به لزوم انجام اصلاحات سیاسی در کشور به منظور مهار مقاومت‌های مردمی به ویژه اعتراضات دانشجویی شد که این درخواست با بی‌توجهی مندرس روبه‌رو شد. در روز ۲۱ همان ماه تعدادی از افسران ارتش دست به اغتشاشاتی زدند و سرانجام در ۲۷ مه ۱۹۶۰، دولت مندرس با یک کودتای نظامی که از طرف کمیته وحدت ملی به رهبری ژنرال گورسل صورت داده شده بود، سرنگون شد و این کمیته قدرت را در دست گرفت. در روز بعد از کودتا ژنرال گورسل به قدرت رسید و سپس به ریاست جمهوری ترکیه دست یافت. عدنان مندرس نیز چند ماه بعد به اتهام سوء استفاده از قدرت و زیر پا گذاشتن قانون اساسی و ... اعدام شد.

دفاع تمام قد شاه عباس از بحرین در برابر اسپانیا



بیست و هفتم ماه مه ۱۶۱۴ شاه عباس یکم پس از دریافت دومین پیام فیلیپ پادشاه وقت اسپانیا که در آن، بار دیگر خواسته بود که ایران جزیره بحرین را به اسپانیا بسپارد، در همان جلسه خطاب به فرستاده پادشاه اسپانیا که به دیدار وی شتافته بود گفت که بحرین طبق اسناد موجود و فرهنگ مردم آن جزیری از قلمرو ایران بوده است و وی بر سر قلمرو ایران با کسی مذاکره و مصالحه نخواهد کرد و اگر پادشاه اسپانیا از آن گوشه جهان مدعی بحرین است تنها از طریق جنگ می تواند آن را از ما بگیرد که گمان نمی کنم در چنین ارتشی باشد شود که بتواند با سرباز ایرانی مصد دهد. شاه عباس در پایان این دیدار که تفصیل آن را فرستاده اسپانیا برنگاشته و متن آن موجود است، خطاب به این فرستاده گفته بود: مهمان نوازی خصلت ماست، ولی این آخرین بار باشد که چنین پیامی برای ما ماباوری.

شاه عباس سپس در حضور فرستاده اسپانیا به مقامات حاضر در جلسه تاکید کرده بود که اگر فرستادگان بعدی اسپانیا حامل چنین پیامی باشند، آنان را از بندر محل ورود به داخل ایران راه ندهند.

دیدیم که محمدرضا شاه به اصرار خارجی در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ بدون کسب نظر ملت ایران در یک فرآیند، بحرین را که اسنان چهاردهم وطن بود از دست داد. جزیره میش ماهیگ (بحرین) و مناطق غربی خلیج فارس – امروزه بخش هایی از کشور سعودی از جمله منطقه قطیف و نیز کویت – تا شکست های نظامی ایران از اعراب مسلمان ادر قادسیه، جولای و تهاوند] بخشی از استان جنوبی ایران بودند. اردشیر پاکان شخصاً از آن مناطق که در «تاریخ باستان» جمعاً بحرین نوشته شده اند دیدار کرد و سپرسر را آ که بعداً به نام شاپور یکم شاه ایران شد] حکومت بحرین داد و شاپور در منطقه قطیف امروز شهری ساخت و نام پدرش را بر آن گذارد. حکومت اسلامی بحرین بعداً به دست قرمطیان (شیعیان سوسیالیست = نوعی مزدکیست) مورد حمایت ایرانیان برانداخته شد. بر تعالی‌ها در ۱۵۲۱ بر جزیره بحرین و تقریباً هزمنان با آن، عثمانی‌ها بر مناطق غرب خلیج فارس استیلاء یافتند. یک قرن بعد، شاه عباس پرتغالی‌ها را از خلیج فارس بیرون راند و در دوران سلطنت صفویه، جزیره بحرین زیر نظر فرمانداری بیهقان و از زمان زندیه از بوشهر اداره می شد. در سال ۱۷۹۷ طایفه الخلیفه وابسته به قبیله بنی عتبّه که به قطر مهاجرت کرده بود از زیاره اواقع در شمال غربی قطر] به جزیره بحرین منتقل و حکومت را به دست گرفت و رئیس این طایفه که نامی با نامی و مخالفت روبه‌رو شده بود در ۱۸۲۰ با انگلیسی‌ها که در خلیج فارس به پهنانه مبارزه با تجارت برده و دران دریایی فعال شده بودند قرارداد امضاء کرد و بحرین تحت الحمایه انگلستان شد که این تحت الحمایگی- به رغم ادامه دعایو ایران تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت. در طول این مدت، نمایندگان انگلستان در بحرین «مستشار امیر» خطاب می شدند که معروفترین این مستشاران «سر چارلز دی. بلگریو» است که از ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ این سمت را برعهده داشت. او نخستین مقامی است که پیشنهاد کرد نام خلیج فارس آ که در نقشه های جغرافیایی عهد باستان؛ درباتی هجا پارس ای تی = دریایی که از پارس آید درج شده است] پس از ۲۵ قرن به خلیج عربی تغییر داده شود. جزیره بحرین از سال ۱۹۳۲ دارای نفت شده است.

شکست قیام مسلمانان مراکش علیه استعمار گران اروپایی

با آغاز استعمار شمال آفریقا توسط غارتگران اروپایی، ساکنان و قبایل مناطق در برابر استعمارگران به مقابله برخاستند و خواهان خروج آنان از سرزمین‌های خود شدند، یکی از این افراد، عبدالکریم ریفی رهبر قیام مسلمانان ناحیه ریف مراکش بود که سال‌ها با متجاوزین اسپانیایی جنگید و پیروزی‌های چشم‌گیری نیز به دست آورد. پیروزی‌های او بر ارتش اسپانیا، وحشت قوای فرانسه را که در شمال آفریقا دارای متصرفاتی بود، برانگیخت. از این رو، در اوایل سال ۱۹۲۴ میلادی نیروهای فرانسوی به منظور جلوگیری از گسترش قیام مردم منطقه ریف به کمک اسپانیا آمدند و تهاجم همه جانبه‌ای را علیه مردم این منطقه آغاز کردند. سرانجام با دستگیری رهبران جنبش ضد استعماری و کشتار هزاران نفر از مردم این منطقه، قیام مردم مراکش در ۲۷ مه ۱۹۲۶ میلادی سرکوب شد.



در سالروز انتشار روزنامه کیهان بررسی شد

آنچه بر کیهان گذشت

انتشار کیهان در نخستین روزها

در سال‌های جنگ جهانی دوم و روزهای پس از سقوط رایشنازه، عبدالرحمن فرامرزی از دولت وقت امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان را گرفت و سردبیری این نشریه را به دکتر مصباح‌زاده سپرد. گرچه مجوز و درخواست روزنامه کیهان انتشار نشریه به صورت روزانه بود اما در نخستین روزهای انتشار به صورت هفتگی یا دست کم هر سه روز یک بار انتشار می‌یافت.

اساس انتشار کیهان را «حفظ وحدت ملی» و مقابله با مخاطراتی تشکیل می‌داد که در آن زمان کشور را مورد حمله قرار داده بود. این مساله دور از واقعیت نبود که ایران در برابر خطر تجزیه دچار تلاشی و پارگی در نقشه جغرافیای خود، زیرآ از هر سو، خواین و برخی طغیان‌گران با استفاده از قدرت نیروهای اشانگلر و احزاب سیاسی طرفدار شرق و غرب، چنین هوس‌هایی در سر می‌پرورانیدند. بر همین اساس بود که روزنامه کیهان با سرمقاله‌های کوبنده خود توانست جایگاه نافذی در میان قاطبه ملت که مخالف حضور نیروهای بیگانه و تجزیه‌طلبی بودند پیدا کند.

مندرجات روزنامه کیهان از سایر مطبوعات روز آن زمان، دقیق‌تر و صحیح‌تر بود. اما این صراحت باعث نمی‌شد که محرمعلی‌خان – سانسورچی عصر پهلوی دوم – از آن برنجند. مخصوصاً سرمقاله‌های نافذ برنده و تیز عبدالرحمان فرامرزی در نقد هیات حاکمه بسیار زودتر از تصور، این روزنامه را به جامعه آن روز ایران شناساند.

در آذرماه ۱۳۲۱ احمد قوام – نخست‌وزیر – وقتی با تنگناهای اقتصادی مواجه شد دست به احکامی زد که در آن زمان خوشایند روشنفکران نبود. در همان دوره، در تهران و شهرستان‌ها به علت کمبود و قحطی نان و مواد غذایی و فقر عمومی و بیماری‌های گوناگون بلوای بزرگی به راه افتاد. سازمان‌های دولتی و مجلس شورای ملی و مغازه‌ها مورد غارت قرار گرفت حتی مردم خانه قوام‌السلطنه را به آتش کشیدند و دولت هم برای رفع بحران دست به اقداماتی زد؛ از جمله به دستور سپهبد امیراحمدی، سر چهارراه، مسلسل‌های سنگین قرار داد و شهر را به حالت نظامی درآورد. امتیاز تمام روزنامه‌ها را لغو کرد، مدیران و سردبیران را به زندان انداخت و تنها روزنامه دولت به نام «خبار روز» به مدیریت حسینقلی‌خان مستعان مجاز به انتشار شد.

بعد از سقوط قوام، مدیران جرید دست به کار شدند و دولت مجدا امتیاز روزنامه‌ها را به صاحبان آن برگرداند و این بار روزنامه دولت لغو امتیاز شد. در انتشار کیهان، یک اتفاق جدید افتاد. این بار امتیاز و مسئولیت انتشار روزنامه کیهان به مصباح‌زاده واگذار شد و مدیریت و سردبیری را عبدالرحمن فرامرزی برعهده گرفت.

مصباح‌زاده با فعالیت زیاد، سازمان وسیعی برای کیهان بی‌ریزی کرد و آن را به صورت یومیه انتشار می‌داد و مقالات فرامرزی هم هر روز بر رونق و نفوذ او می‌افزود. کیهان در مقابل صدها روزنامه این‌القوت باقی ماند و به سرعت خود را به پایه روزنامه اطلاعات رساند و بعدها از آن هم پیشی گرفت و روزنامه نخست ایران شد. به لحاظ فنی، چاپ و دستگاه‌های مورد نیاز، آخرین پدیده‌های جهان در چاپخانه کیهان دیده می‌شد، در حاشیه روزنامه کیهان چند نشریه دیگر به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و فارسی انتشار می‌یافت که آن‌ها نیز از کیفیت متمایزی برخوردار بودند. مصباح‌زاده در انتشار روزنامه نقش تأمین سرمایه داشت و مطالب آن را عده زیادی از نویسندگان تنظیم می‌کردند و حتی گاهی اتفاق می‌افتاد که مدیر و موسس کیهان مانند سایرین کیهان را دریافت می‌کرد.

شکل‌گیری و تبارشناسی کیهان

اولین شماره کیهان روز ۶ خرداد ۱۳۲۱ در ۴ صفحه با قطع کوچک شش ستونی در دو هزار نسخه منتشر شد. پیدایش کیهان بی‌سابقه نبود. قبلاً در سال ۱۳۲۰ روزنامه آینه‌ای ایران که موسس و صاحب امتیاز آن هادی خلعتبری بود به مدیریت عبدالرحمان فرامرزی منتشر می‌شد که انتشار آن از ۲۲ آبان ۱۳۲۰ تا فروردین ۱۳۲۱ ادامه داشت و آنگاه توقیف شد. دو ماه بعد بود که روزنامه کیهان به مدیریت و سردبیری مصطفی مصباح‌زاده منتشر شد.

اولین محل تحریریه روزنامه کیهان در خیابان خواجه (باغ سپهسالار) قرار داشت، که تنها دو اتاق تو در تو بود و کادر اداری – فنی آن از دو نفر تشکیل می‌شد. کیهان با یک ماشین کوچک چاپ می‌شد و نخستین شماره‌های آن ۱۵ ریال قیمت داشت. در سال

حمید اشرف و ترور است

زن و مرد کشته شدند



از به نفت رسیدن نخستین چاه در ایران به نفت در منطقه مسجد سلیمان (۲۷ مه ۱۹۰۸) ۹۹ سال گذشت. این چاه با رسیدن به نفت، دشواری های تازه ای هم برای ایرانیان به همراه آورد! امتیاز نفت ایران از نخستین سال قرن بیستم در اختیار انگلیسی‌ها بود. درست ربع قرن پس از رسیدن نخستین چاه مسجد سلیمان به نفت (هفتم خرداد ۱۳۱۲ = ۲۸ مه ۱۹۳۳) مجلس تنها با هشت رای مخالف و متنوع تعدی قرارداد نفت را که امتیاز آن در انحصار انگلستان بود تصویب کرد. هجده سال بعد در همین روز (۷ خرداد ۱۳۲۰) به مناسبت سالروز تصویب این قرارداد، ایران شاهد بزرگترین

آغاز بکار مجلس شورای اسلامی

ششم خرداد ماه سال ۱۳۵۹ نخستین دوره مجلس شورای اسلامی – که ششم خرداد ۱۳۹۷ سی و هشت ساله شده است – در تهران و در ساختمان سنای سابق آغاز به کار کرد. تا آن زمان وظیفه قانونگذاری عملاً برعهده شورای انقلاب بود. قضاوت تاریخی درباره یک پارلمان بر پایه جامعیت و به دور از تبعیض بودن قوانینی است که به تصویب می‌رساند و نیز نظارت دائمی بر اجرا و رعایت کامل آنها و رسیدگی به شکایات مردم و اعلام نتایج این رسیدگی در رسانه های همگانی است.



به جز چند دوره کوتاه مدت روزنامه‌نگاری و روابط عمومی از سوی اداره تبلیغات و انتشارات، کار خاصی صورت نگرفته بود. نخستین اداره روابط عمومی در ایران به طور رسمی در مردادماه سال ۱۳۳۲ در شرکت سابق نفت ایران آغاز به کار کرد و اولین گردانندگان آن دکتر نطقی استاد علوم ارتباطات و مرحوم ابوالقاسم جالت، شاعر و نویسنده معاصر بودند که بعداً استاد ابوالفضل مرعشی نیز به این جمع پیوست. در بسیاری از سازمان‌ها و ادارات تا سال ۱۳۴۵ اداراتی به نام تبلیغات و انتشارات فعالیت می‌کردند که از این تاریخ به بعد نام این ادارات به روابط عمومی تغییر یافت. در سال ۱۳۴۵ مسئولان شرکت ملی نفت ایران، موسسه مطبوعاتی کیهان (مصطفی مصباح‌زاده)، دانشگاه تهران و وزارت اطلاعات و چهلگردی وقت (روشنک انصاری) به فکر تأسیس یک مرکز آموزش عالی برای رشته روابط عمومی افتادند.

این مرکز یک سال بعد افتتاح شد و بیش از صد نفر دانشجو از میان فارغ‌التحصیلان دوره دبیرستان را جهت تحصیل در دوره لیسانس روابط عمومی پذیرفت. این مرکز در آغاز نام موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی را برای خود برگزید. در سال ۱۳۴۶ دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد. پس از یک دوره، این دانشکده به دلیل کمبود استاد و تأسیس «موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» در سال ۱۳۴۶ تعطیل شد. در همین زمان بود که مصطفی مصباح‌زاده، حمید مولانا و کاظم معتمدنژاد را برای تحصیل به اروپا فرستاد. در سال ۱۳۴۵ دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد. پس از یک دوره، این دانشکده به دلیل کمبود استاد و تأسیس «موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» در سال ۱۳۴۶ تعطیل شد. در همین زمان بود که مصطفی مصباح‌زاده، حمید مولانا و کاظم معتمدنژاد را برای تحصیل به اروپا فرستاد. در سال ۱۳۴۵ دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد. پس از یک دوره، این دانشکده به دلیل کمبود استاد و تأسیس «موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» در سال ۱۳۴۶ تعطیل شد. در همین زمان بود که مصطفی مصباح‌زاده، حمید مولانا و کاظم معتمدنژاد را برای تحصیل به اروپا فرستاد.

روزنامه کیهان اما بعد از پیروزی انقلاب شکل دیگری پیدا کرد. در جریان انقلاب، کیهان در سال ۱۳۵۵ به ۳۰۰ هزار نسخه رسید، یعنی در سراسر ایران حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر آن را می‌خواندند که دو سوم آنان مرد و بقیه زن و اغلب آنان جوان بودند. در این هنگام تعداد کارکنان کیهان در تهران به ۱۵۰۰ نفر و رقم کارکنان کیهان در شهرستان‌ها تا ۱۲۰۰ نفر افزایش پیدا کرده بود. در سال ۱۳۴۰ جمع عملیات مالی موسسه کیهان در حدود چهل میلیون ریال بوده است. پس از هجده سال این رقم به پنج میلیارد و هشتاد و چهار میلیون ریال رسید که رشدی بیش از ۱۰۷ برابر را نشان می‌داد (برگرفته از تراز عملیات مالی موسسه در پایان اسفند ۵۷). کیهان، عدنانا به صورت خانوادگی اداره می‌شد، هر قسمت از این موسسه زیر نظر خویشاوندان یا آشنایان مورد اعتماد صاحب امتیاز روزنامه قرار داشت.

موسسه کیهان از روز پیدایش تاکنون نشریه‌های بسیاری را چاپ و منتشر کرده که تعدادی از مهمترین آن‌ها به این شرح است: کیهان (۱۳۲۱ – روزانه)، کیهان هوایی (۱۳۲۹ – هفتگی)، کیهان ورزشی (۱۳۳۴ – هفتگی)، قانون (۱۳۲۴)، کیهان بچه‌ها (۱۳۳۵ – هفتگی)، کیهان انگلیسی هفتگی (۱۳۴۸).

موسسه کیهان همچنین در تولید، چاپ و توزیع بسیاری از نشریات فارسی و انگلیسی و کتاب‌ها همکاری داشته که برخی از آن تا سال‌های پیش از انقلاب چنین است: دنیا (روزنامه)، کتاب سال دنیا، تقویم دنیا، روزنامه رستاخیز، نبرد ملت، کتاب‌های درسی، کتاب‌های غیردرسی، ماموریت برای وطن، تمدن بزرگ و انقلاب سفید، بعدها از دست‌آخته است. او دولت‌های هفتم و هشتم را که در سازمان اصلاح طلبی قرار می‌گرفتند زیر بار سخت‌ترین و شدیدترین انتقادات و اتهام‌ها قرار داد و در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ و به دفاع تمام‌قد از دولت محمود احمدی‌نژاد پرداخت و شرعتمداری در روزنامه‌های او از جمله در انتخابات سال ۱۳۹۲ هم بدون هیچ ملاحظه‌ای از سید جمیلی حمایت کرد. حمایت‌هایی تا سطح اغراق‌شده‌ای که از مسیری خاص داشت. این روزنامه در انتخابات اخیر هم از رقبای دولت تدبیر و امید دفاع می‌کرد. با این وصف و به ویژه پس از نفوذ گسترده شرعتمداری در موسسه کیهان، این روزنامه توان عمومی خود را در بدنه اجتماعی از دست داده است.

نخستین چاه ایران به نفت رسید و دشواری ها آغاز شد

تظاهرات تاریخ خود تا آن زمان بود و تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن این اقدام مجلس خواستار محاکمه و صادره اموال آن دسته از نمایندگان – چه مرده و چه زنده – شدند که به این قرارداد رای موافق داده بودند. مردم شعار می‌دادند: سالروز «تصویب خیانت». نفت ایران در اسفندماه ۱۳۲۹ هجری ملی اعلام و مراحل قانون مربوط ۲۹ این ماه تکمیل شد. درآمد ارزی ایران از صدور نفت در سال ۱۳۲۵ هجری پنجاه و پنج میلیارد و از دیماه ۱۳۲۹ تا آذرماه ۱۳۹۰ (یازده ماه) کمی بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار بود.

